

صحبتی در مورد اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر داربست بند نفت

شهلا دانشفر، صفحه ۷



جنبش قدرتمند معلمان و مکان و جایگاهش

سیما منصوری، صفحه ۲

ماهی که حتی یک روزش بدون اعتراضات خیابانی مردم

سپری نشد

مهران محبی، صفحه ۳

اخبار تجمعات قدرتمند بازنشستگان در هفته

صفحات ۴-۶

آخرین اخبار از معلمان بازداشتی و کارگران زندانی و

کارزارهای مبارزاتی

صفحات ۹-۱۰

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، اعتصاب کارگران

داربست بند نفت و یک خبر دیگر

صفحه ۶

تهدید و فشار بر واله زمانی، فعال کارگری زندانی، برای پذیرش

اتهامات واهی، تمدید یکماه بازداشت حسن سعیدی و رضا شهابی

صفحه ۱۰

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۳۳

۶ تیر ۱۴۰۱

۲۷ ژوئن ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

آغاز اعتصاب کارگران پروژه ای داربست بند فاز ۱۴ در سایت کنگان

صفحه ۷

گسترش اعتصاب داربند بست های نفت به هجده پیمانکاری

صفحه ۸

آزادی ده معلم بازداشتی

در سقز

کمپین برای آزادی کارگران

زندانی، صفحه ۹

از مدیای اجتماعی

صفحه ۸

سیما منصوری

جنبش قدرتمند معلمان و مکان و جایگاهش

هر کس هر تعبیری از هویت و مکان اجتماعی و اقتصادی/سیاسی معلمان میتواند داشته باشد، از "فعالیت فرهنگی" و رسالت انبیائی و "ستون توسعه ملی"، تا کار بردگی مزدی در پهنه این مناسبات کالائی و جنگ منافع متضاد طبقات، حکومت و مردم روی زمین واقعی. مشروط به آنکه با "نیت خیر" سهم بری از "سود و غارت این مردم" نخواهند با روضه های منفعت خواهی، کار ارزان از گرده شان بکشند و مدام دست در جیب و سفره معاش شان کنند.

سابقاً حُقه میکردند که معلمی "شغل انبیاست".

اما دیری نپایند تا زندگی بگوید این "رسالت"ها همگی کشک اند و "تقدس" گرایی "اسم رمز غارتگری و سرکوب است و مدام دارند از سفره معاش و زیست شان میربایند، و نه تنها معلمان معترض وضعیت را در انتظار شاگردان خیر کش بر زمین میکشند و با باطوم تا زندان ها بدرقه کرده اند، که جان و کار و نان خانوارهایشان را به گروی سکوت گرفته اند!

نهاد / "آموزش پرورش" از پایه ای ترین ارکان مناسبات سرمایه دارانه تولید کالائی و منفعت های سیادت-حاکمیتی سرمایه را مرتبط با سازو کارهای قدرت شان سازمان داده اند.

ده ها هزار انسان را به کارمزدی گرفته اند و از یکسو به پشتوانه مجموعه قوانین نیم بند تفسیر برداری که قبلاً با "مگر" و اگر و اما "ساطوری کرده و رسمیت داده اند، هر جا منفعت و زورشان رسیده از همانجا آره کرده اند و با سیاست ها و تعرضات وسیعاً و قیح دولت و مجلس و "لجستگی سرکوب شان به سفره معاش و عرصه های زیست معلم و کارگر و بازنشسته.... هجوم آورده اند و دارند سونامی فلاکت و مرگ را بر زندگی و بقایشان آوار میکنند.

به استناد کدام "حقی" یک اقلیت ناچیز در قدرت میتواند زندگی صدها هزار خانوار و در اینجا (معلمان) را به کام

بدبختی و مرگ بکشاند؟! قلمرو اقتصادی "آموزش و...". درست کرده اید و دارید منفعت های حکومتی و سود سرمایه ای بی در و پیکر از آن میرید و از معلمان کار میکشید،

تصاعدی از پی هم اختلاس و غارت کنید و ثروت ها و منابع دسترنج مردم را صرف اسلحه و موشک کنید و بدهید به دست آموزاتان در عراق و یمن تا همدیگر را بکشند و به روز سیاه بیفتند!



خُب مُزد و معاش و حقشان را کامل بدهید چرا مدام ذبه در میآورید و از سر و ته اش میزید؟! این تورم افسار گسیخته و فروپاشی ارزشی چندرغاز پولی که به مُزد حقارت میدهد را شما دامن زده اید و همه چیز در دستان شماست!

ثروت و منابع و گنج و خاک و آب و.... این مردم و جامعه را یکجا به تملک اختیار گرفته اید و قرار بوده و باید تحصیل و درمان مان رایگان و از سهم ثروت و داشته ها و اندوخته اجتماعی مان باشد، چه کسی و کجا این حق را به شما داده که یکجا زیر تعهد و مسئولیت و وظیفه حکومتی تان بزیند و سهم بری برحق از ثروت اجتماعی و اندوخته هامان را، هزینه تحصیل و درمان فرزندان این مردم که "قرار است" در آینده ای مبهم در قلمروهای اقتصادی در تملک شما کار کنند و شما سودش را ببرید بر دوش همین مردم بگذارید و از سفره معاش و مُزد ما (معلمان) بردارید؟!

این بحران های اقتصادی و کسری بودجه حکومتی و رانتی را نه تنها خودتان ساخته و پرداخته و مسبب شان هستید، که علیه منفعت معلمان و این مردم بجلو رانده اید.

مگر معلمان گفته اند برای زندگی های اشرافی همه ایل و تبارتان اینگونه

بیش از چهار دهه پذیرفتن های طبقه کارگر و این مردم و جنگ برای زندگی، جدال های معلمان را به مکان بالاتری ارتقاء داده و با "جنبش مجامع عمومی"، با دخالتگری اجتماعی و اراده جمعی در پهنه سراسری به دفاع از مطالبات و هویت انسانی شان بجلو آمده است.

این حکومت و دولت و مجلس و "سهم بران" دارو دسته حسن نصراله و... حق ندارند برای ابقای امورات شان دست و پای شان را در جیب و سفره معاش معلمان کنند و صندوق ها و اندوخته های معلمان و... را مثل قُلک شان بشکنند و غنیمت ببرند و بخورند و موانع سَر راه زندگی معلمان و مردم ایجاد کنند.

بحران هایی که بر سَر اقتصاد وهست و نیست مردم آوار کرده اند و "کسری بودجه" های حکومتی را خودشان ساخته اند، معلمان و مردم که نباید تاوانش را بدهند.

معلمان که نمیتوانند موجودیت انسانی خودشان را منکر شوند و بروند یکجائی خودکشی دسته جمعی کنند! حق و حقوق رسمیت داده شده و مطالبات انسانی شان را میخوانند و نمیگذارند مرگ تدریجی بر خانوارهایشان تحمیل کنند!

چهار دهه جدال های بی وقفه معلمان بر متن جنبش های کارمزدی، جنبش مطالباتی/اجتماعی شان را در مکان بالاتری به میدان آورده است.

"جنبش مجامع عمومی" معلمان، قدرتمندترین سازو کار و بستر اعتراضی برای دیده شدن و نیرو شدن در عمل توده ای برای رسیدن به مطالبات است!

دیگر نبض پذیرفتن و عمل حق طلبی معلمان مریوان و مشهد و بوشهر و شیراز و.... همزمان یک ریتم میزند و "کانون ها و شوراها ی هماهنگی"..... "شان بر چنین متنی استوارند و قدرت و نیرویشان را از این "جنبش مجامع"، از دخالتگری و اراده گام های تک تک معلمان (شاغل و بازنشسته) میگیرند!

معلمان و کارگران و بازنشستگان و... کی و کجا گفته اند که ثروت و مُزد های نداده آنها را ببرید سوریه و افریقا... و یا خرج طالبان کنید تا مُشتی بیماران آدمکش "طالب و بوکوحرام" زن و بچه ها را اسیر کنند و بفروشند و هزار جنایت کنند.

چه "حقی" این اجازه را به شما داده که نصف معلمان دست فروشی کنند و راننده خدماتی باشند و خانواده های گرسنه هم سرویس بازتولیدشان را بدهند تا حکومت و دولت و اعیان انصارشان امورات سیاسی و پولی و زندگی اشرافی شان بگردند؟!

واژه "مبارزه طبقاتی" به تهائی گویای پهنه و عمق جدال ها و کشمکش های معلم و کارگر و بازنشسته و... مردمان زحمتکش برای معاش و زندگی و موجودیت بقاعشان نیست! برای حداقل ها باید در همه عرصه های زندگی دانا جنگید و سر تا پایمان "خونی" باشد.

اینجا یک جنگ نابرابر منحصر بفرد در جریان است و جدال های طبقه کارگر و این مردم علیه این وضعیت یک نبرد مصمم "هرکولی" ست!

معلمان و کارگران و.... این مردم که حاج و واج به آسمان نگاه نمیکند تا که زیر این آوار نکبت تحمیلی این روابط و مناسبات دفن شوند!

ماهی که حتی یک روزش بدون اعتراضات خیابانی مردم سپری نشد

مهران محبی

گرفته اند.

مرگ بر خامنه ای و مرگ بر رئیسی که از شعارهای بازاریان معترض بوده اند، این را به روشنی بیان می کند که این حکومت باید برود.

جامعه هر آنچه را که طی چهل و سه سال از دست داده است، یکجا می خواهد و خواست و مطالبات و شعارهای اعتراضات جاری همین را در برابر حکومت قرار داده اند و حکومت هم این را باور کرده است، می خواهد کاری کند، اما درمانده است، سراننش پاچه همدیگر را می گیرند، ولی راه حل ندارند.

ماه های اول و دوم سال جاری، جامعه وارد یک مرحله جدی تر برای تعیین تکلیف با حکومت شده و تظاهراتهای ضد حکومتی باعث به هم ریختگی بیشتر حکومت گردیده تا حدی که خامنه ای به ناچار شلاق بشارت و بصیرت بخش پدرانه را بر پشت گماشتگان در قدرت کشید.

خامنه ای برای اولین بار از اعتراضات مردم به جای اختشاشات و فتنه ها حرف زد و به وجود گرانی و نارضایتی مردم گردن گذاشت و سران هر سه قوه را که از خودیهای خودش هستند، مسؤل نارضایتیهای مردم و ریشه نارضایتیها دانست.

این یک عقب نشینی خامنه ای به عنوان مسؤل درجه اول حکومت در برابر عزم جامعه برای سرنگونی حکومتش است. مردم این عقب نشینی ناشی از عجز و درماندگی حکومت تا دندان مسلح و دارای تمام ظرفیت انسان کشی و جنایت که در سرکوب و کشتار مردم معترض جامعه روی نازیسم هیتلری را سفید کرده است، در هیبت مضطرب خامنه ای دیدند و از زبانش شنیدند.

حکومتی که به طور روزمره توسط مردم تشنه سرنگونیش در خیابان و کارخانه و مدرسه به مصاف کشیده می شود، زمان زیادی دوام نمی آورد و شرایط حال جمهوری اسلامی همین است.

در ادامه اعتراضات توده ای در خیلی از شهرها که از ابتدای سال جاری با قدرت گیری و گستردگی بیش از پیش شروع گردید، قابل انتظار بود که زمان زیادی طول نخواهد نکشید تا اعصاب و اعتراضات در سطح کل جامعه به یک امر ضروری و غیر قابل تعطیل بدل گردد.

مردم معترض همچنانکه بدون نفس کشیدن و بدون خوردن و آشامیدن توان ادامه حیات را ندارند، به مرحله ای از مقابله با حکومت رسیده اند که دیگر بدون حضور اعتراضی در خیابان ها و دست زدن به اعتصابات و تحسنت نامی توانند به زنده ماندن فردای خود امیدوار باشند.

حکومت درمانده از نظر اقتصادی که توان تامین هیچ میزان از نیازمندیهای ضروری مردم را ندارد، حالا حاکمیتش که بر جامعه را تا به امروز به زور اسلحه و زندان و درنده خونی مزدورانش بر مردم تحمیل کرده است، در منگنه پر فشار اعتراضات سراسری و عمومی می بیند و سرنگونیش را حس می کند

«عزا، عزاست امروز، روز عزاست امروز، حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز»

در تجمعات روتین و هر روزه بازنشستگان که در اعتراض به مصوبه افزایش ده درصدی حقوق سر داده می شود، علاوه بر اینکه خواست افزایش فوری حقوق را بیان می کند، حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی را هم مورد تعرض قرار می دهد.

یک شعار سیاسی علیه کل حکومت و نماد ضد بشری اسلامی آن است که نه تنها معیشت مردم جامعه را چپاول کرده، بلکه آزادی، حق تفکر و اندیشیدن، مدنیت و مدرنیسم و کلا شؤنات انسانی مردم را لگدمال کرده است.

اعتصابات و تظاهراتهای بازاریان و بخشهای دیگر جامعه که مستقیماً مانند کارگران و معلمان استثمار نمی شوند هم در شعارهایشان کلیت حکومت را نشانه



جنبش قدرتمند معلمان و ...

از صفحه ۲

نوک کوه یخی از وسیعترین و تاثیر گذارترین پتانسیل موجودش را به جلو آورده و "نمایش" داده است.

هیچ ترغیب فریب و تفرقه و سرکوبی قادر به کنار زدن این "جنبش مجامع" دخالتگرانه معلمان که از چند دهه مقاومت و مبارزات پُر بها به میدان حق خواهی آمده نخواهد بود.

راه سومی وجود نخواهد داشت.

همسوئی و ماهیت منفعت های مشترک همه لایه ها و بخش های طبقه کارگر و خاصیت طبقاتی جدال هایشان در این دوره، ضرورت ارتباط (کانون ها و شوراهای هماهنگی) مطالباتی/ اعتراضی مستقل و چفت شدن "مجامع عمومی" همه جنبش های کارمندی، جنبش معلمان، کارگران، بازنشستگان، پرستاران و.... یافته شدن شان را حول پایه ای ترین و اساسی ترین مطالبات روی میزشان به کف کارخانه و مدارس و خیابان خواهد آورد.

و این آن نیروی اجتماعی تغییری خواهد بود که چشمگیرترین عمل سیاسی توده ای در مقیاس سراسری را بجلو هل خواهد داد! خرداد ۱۴۰۱

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

این حکومت و "دولت و مجالس...." دست ساز نه تنها اراده ای در پاسخ به حل و پرداخت مطالبات معلمان را نیز نشان نمیدهند و دندان قروچه میکنند، بلکه هدف شان سرشکن کردن و تعرض وسیعتر بر سفره معاش و زندگی معلمان و سایر اردوی کار مزدی و مردمان فرودست در شرایط کنونی و وضعیت های پیش روست.

سیر رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی/اقتصادی جاری و پیش رو برای طبقه کارگر و مردمان فرودست هولناک و اظهر من الشمس است. جنبش مطالباتی/اجتماعی معلمان همچون کارگران، بازنشستگان و... طبقه کارمندی بطورکلی هیچ راه گریزی بجز گسترش اعتراضات در عمل متحدانه برای عقب راندن حکومت و دولت شان از تعرض گستاخانه و بیرحمانه تر بر سفره معاش و زندگی و دست یافتن به مطالبات شان ندارند.

این حکومت نشان داده که هر تعرضش به جیب و سفره کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و.... را با مجموعه "قوانین" تفسیر بردار و سیاست های دروغ و فریب به اتکای سازو کارهای سرکوب تحمیل کرده است و از هر سیاست و عمل غیر انسانی کوتاهی نخواهد کرد.

اما توازن قوای این جدال ها تغییر کرده است و مردم در این دوره قدرتمند ترند.

جنبش مجامع عمومی "معلمان در قابلیت سازمان یافتگی اش همسو و تنیده در جنبش کارگران و بازنشستگان و.... تنها

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی، آزادی دو تن از معلمان و اخباری دیگر

بیکاری و بی‌تامینی تاثیر مستقیمی بر وخامت بیشتر وضع زندگی آنها یعنی بیش از چهار هزار نفر از کارگران و خانواده‌های آنان دارد. کارگران معدن آسمیون منوجان خواستار بازگشت به کار هستند.

- محمود ملاکی و محسن عمرانی دو نفر از معلمان معترض که در جریان تجمعات سراسری معلمان سراسر کشور در ۲۶ خرداد در بوشهر بازداشت شده بودند، امروز ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ آزاد شدند. این آزادی بدنال کارزار گسترده معلمان برای آزادی همکاران بازداشتی شان صورت می‌گیرد. آزادی این دو عزیز را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک می‌گوییم. تمامی معلمان بازداشتی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه فعالین باید مسدود گردد

اسماعیل گرمی که در تجمعات آنها در فروردین ۱۴۰۰ بازداشت شد و با ۴ سال حکم در زندان است، هستند. از خواسته ها و اعتراضات آنان باید وسیعاً حمایت کرد.

- شامگاه سی ام خرداد کارگران شهرداری ایلام به خاطر عدم دریافت سه ماه حقوق و ۱۲ ماه مزایای متعلقه؛ در مقابل واحد موتوری شهرداری دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند.

- حدود ۱۳۰۰ کارگر معدن آسمیون منوجان به دلیل تداوم تعطیلی معدن، از تاریخ یکم خرداد ماه تاکنون با بیکاری و معضلات معیشتی روبرو هستند. اکنون بعد از یک ماه بلاتکلیفی نامه ای مبنی بر قطع برق و تعطیلی کامل این مجتمع نیز منتشر شده است. کارگران این شرکت همگی سوابقی بالای ۵ سال و تا ۱۸ سال کار دارند و تعطیلی این شرکت، و خطر

فشار اعتراضات بر گرده حکومتی است که مانده است با بازنشستگان و کارگران و مردم معترض و متعرض چه کند.

اعتراض بازنشستگان نه فقط به ناچیز بودن افزایش حقوقها بلکه فراتر از آن به حقوقهای ناچیز و زیر خط فقر، به فقر و بی‌تامینی، و به کل بساط سرکوب و اختلاسهاست.

افزایش حقوقها به بالای خط فقر و در حد نرخ واقعی هزینه های سرسام آور معیشتی، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق تشکل و اعتصاب و اعتراض از جمله خواستههای اعلام شده بازنشستگان است. بازنشستگان تامین اجتماعی خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط

روز ۳۱ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در تداوم اعتراضاتشان در اهواز و کرمانشاه تجمع داشتند. یک صحنه زیبا از اعتراض بازنشستگان در اهواز سردادن سرود پرشور "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" بود که با کف زدن آترا خواندند و همگی با خشم و اعتراض و فریاد "مرگ بر این بردگی" بساط توحش و بردگی حاکم را به مصاف گرفتند. زیر فشار اعتراضات حماسی بازنشستگان روز گذشته سی ام خرداد ماه مجلس اسلامی مصوبه افزایش تحقیر آمیز ده درصدی حقوق بازنشستگان را باطل اعلام کرد و به دولت یک هفته فرصت داد که نسبت به اصلاح آن اقدام کند و به دولت اعلام کرد که مصوبه مجلس لازم الاجرا و قطعی است! این یک گوشه از بازتاب و تاثیر اعتراضات بازنشستگان است. استعفای وزیر کار و تصمیم مجلس اسلامی بیانگر

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت، زنجان و کرمان

های حکومت است. افزایش حقوقها به بالای خط فقر و حد نرخ واقعی قیمت هزینه های سرسام آور معیشتی، درمان رایگان، تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و حق تشکل و اعتصاب و اعتراض از جمله خواستههای اعلام شده بازنشستگان است. بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراضاتشان همواره بر آزادی اسماعیل گرمی که در تجمعات آنها در فروردین ۱۴۰۰ بازداشت شد و با ۴ سال حکم در زندان است، تاکید کرده اند.

بازنشستگان با راهپیمایی های پرشور خود در اعتراضاتشان فضای گرمی از اعتراض در سطح جامعه ایجاد کرده و به یک سنگر داغ اعتراضات تبدیل شده اند. از خواسته ها و اعتراضات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ خرداد ۱۴۰۱، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲

حکومت است که مجلس و دولتی ها را بجان هم انداخته است و مانده اند چگونه سر و ته ماجرا را بهم بیاورند. ن اتفاقات



در عین حال تاکید بر اهمیت ادامه مبارزه برای تداوم مبارزات و پیگیری خواسته ها و مطالبات بازنشستگان و کارگران است. این حکومت تنها بزبان زور و مبارزه قدرتمند را میفهمد.

بازنشستگان در اعتراضاتشان بطور واقعی کل بساط توحش و بردگی حاکم را به چالش میکشند. اعتراض آنان نه فقط به ناچیز بودن افزایش حقوقها بلکه اساساً به فقر و بی‌تامینی، به سونامی گرانی و تعرضات هر روزه به زندگی و معیشت مردم و به بساط سرکوب و چپاولگری

اگر این مصوبه لغو نشود خود آنها اقدام به تصمیم گیری به ابطال آن خواهند گرفت! در همین راستا روز یکشنبه بیست و نهم

خرداد مجلس مصوبه هیات وزیران را درقبال کارگران دولتی که از جمله شامل کارگران قرارداد موقت نفت، بی‌آرتی شرکت واحد و بخش های مختلف شهرداری هاست را باطل اعلام کرد و وزیر کار جدیدشان نیز اعلام کرده است که اگر مجلس تصمیم گرفت دولت نیز آترا اجرا خواهد کرد. امروز دوشنبه ۳۰ خرداد نیز قرار است مجلس اسلامی در مورد افزایش حقوق بازنشستگان تصمیم گیری کند. این کشاکشها و تقلابات بازتاب فشار اعتراضات کارگران و بازنشستگان بر

روز خرداد بازنشستگان تامین ۳۰ اعتراضاتشان در چند اجتماعی در تداوم شهر در رشت، زنجان و کرمان تجمع داشتند و با سر دادن شعارهای کوبنده فریاد اعتراض خود را به افزایش تحقیر آمیز ده درصدی دستمزدها و عدم پاسخگویی به خواستههایشان بلند کردند. در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی با کف زدن سر دادن شعار "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد" را سر دادند. در زنجان آنها با شعار مرگ بر این دولت قانون شکن صدای اعتراض خود را بلند کردند. در کرمان بازنشستگان و با سرود "یار دبستانی من با من و همراه منی" بر همبستگی و اتحاد همه بازنشستگان و مردم تاکید کردند.

همانطور که قبلاً گزارش کردیم بازنشستگان تامین اجتماعی اولتیماتوم داده اند که تا وقتی که مصوبه افزایش ده درصدی تحقیر آمیز حقوقها لغو نشود و به دیگر مطالباتشان پاسخ داده نشود اعتراضات خود را ادامه خواهند داد. زیر فشار اعتراضات بازنشستگان مجلس اسلامی به دولت اولتیماتوم داده است که

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی، آزادی دو تن از معلمان و اخباری دیگر

بعد از یک ماه بلا تکلیفی نامه ای مبنی بر قطع برق و تعطیلی کامل این مجتمع نیز منتشر شده است. کارگران این شرکت همگی سوابقی بالای ۵ سال و تا ۱۸ سال کار دارند و تعطیلی این شرکت، و خطر بیکاری و بی تامینی تاثیر مستقیمی بر وخامت بیشتر وضع زندگی آنها یعنی بیش از چهار هزار نفر از کارگران و خانواده‌های آنان دارد. کارگران معدن آسمینون منوجان خواستار بازگشت به کار هستند.

- محمود ملاکی و محسن عمرانی دو نفر از معلمان معترض که در جریان تجمعات سراسری معلمان سراسر کشور در ۲۶ خرداد در بوشهر بازداشت شده بودند، امروز ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ آزاد شدند. این آزادی بدنبال کارزار گسترده معلمان برای آزادی همکاران بازداشتی شان صورت میگیرد. آزادی این دو عزیز را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگوئیم. تمامی معلمان بازداشتی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه فعالین باید مسدود گردد

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ خرداد ۱۴۰۱، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲

فروردین ۱۴۰۰ بازداشت شد و با ۴ سال حکم در زندان است، هستند. از خواسته ها و اعتراضات آنان باید وسیعاً حمایت



کرد. - شامگاه سی ام خرداد کارگران شهرداری ایلام به خاطر عدم دریافت سه ماه حقوق و ۱۲ ماه مزایای متعلقه؛ در مقابل واحد موتور شهرداری دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند. - حدود ۱۳۰۰ کارگر معدن آسمینون منوجان به دلیل تداوم تعطیلی معدن، از تاریخ یکم خرداد ماه تاکنون با بیکاری و معضلات معیشتی روبرو هستند. اکنون

اختلاسهاست. افزایش حقوقها به بالای خط فقر و در حد نرخ واقعی هزینه های سرسام آور

معیشتی، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق تشکل و اعتصاب و اعتراض از جمله خواسته های اعلام شده بازنشستگان است. بازنشستگان تامین اجتماعی خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل گرامی که در تجمعات آنها در

روز ۳۱ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در تداوم اعتراضاتشان در اهواز و کرمانشاه تجمع داشتند. یک صحنه زیبا از اعتراض بازنشستگان در اهواز سردادن سرود پرشور "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" بود که با کف زدن آنها خواندند و همگی با خشم و اعتراض و فریاد "مرگ بر این بردگی" بساط توحش و بردگی حاکم را به مصاف گرفتند. زیر فشار اعتراضات حماسی بازنشستگان روز گذشته سی ام خرداد ماه مجلس اسلامی مصوبه افزایش تحقیر آمیز ده درصدی حقوق بازنشستگان را باطل اعلام کرد و به دولت یک هفته فرصت داد که نسبت به اصلاح آن اقدام کند و به دولت اعلام کرد که مصوبه مجلس لازم الاجرا و قطعی است! این یک گوشه از بازتاب و و تاثیر اعتراضات بازنشستگان است. استعفای وزیر کار و تصمیم مجلس اسلامی بیانگر فشار اعتراضات بر کرده حکومتی است که مانده است با بازنشستگان و کارگران و مردم معترض و متعرض چه کند. اعتراض بازنشستگان نه فقط به ناچیز بودن افزایش حقوقها بلکه فراتر از آن به حقوقهای ناچیز و زیر خط فقر، به فقر و بی تامینی، و به کل بساط سرکوب و

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز و سه خبر دیگر

نوبت مطالبات آنها را پرداخت خواهد کرد. ولی هنوز اقدامی صورت نگرفته است و کارگران همه طلبهایشان را میخواهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ تیر ۱۴۰۱، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۲

کرمان در اعتراض به وضع بد معیشتی و سطح پایین حقوقهایشان دست به تجمع زدند. - روز شنبه ۴ تیرماه جمعی از کارگران کارخانه داروگر تهران، در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران مدیریت وعده داده است که از آغاز تیرماه طی چند

و مطالبات بازنشستگان باید وسیع حمایت کرد. - روز تیر جمعی از فعالین معلم و ۴ شرکت واحد و سندیکای کارگران بازنشستگان تامین اجتماعی با خانواده های معلم زندانی رسول بدقی و فعالین کارگری زندانی اسماعیل گرامی، رضا شهابی و حسن سعیدی دیدار کردند. دیدار با خانواده های زندانیان سیاسی شکلی از همبستگی مبارزاتی است که به سستی جا افتاده در جنبش های اجتماعی تبدیل شده است. - روز ۴ تیر کارگران راه آهن رضوان دورود در ایستگاه سبیز، زند، جلال آباد و

- روز ۴ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز در اعتراض به مصوبه هیات وزیران و افزایش تحقیر آمیز ده درصدی دستمزدها و عدم ابطال این مصوبه، بار دیگر دست به تجمع زدند و درخواست افزایش فوری حقوقها تاکید کردند. حقوق به خواست بازنشستگان افزایش بالای خط فقر و متناسب با هزینه های بعلاوه درمان و. واقعی زندگی است تحصیل رایگان برای همه، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان دادن به اختلاس ها و نیز پایان دادن به سرکوبگری ها از دیگر مطالبات اعلام از خواستها. شده بازنشستگان است

**به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!**

شماره تلفن:
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande



افزایش حقوقها به بالای خط فقر و در حد نرخ واقعی قیمت هزینه های سرسام آور معیشتی، درمان رایگان، تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و حق تشکل و اعتصاب و اعتراض از جمله خواسته های اعلام شده بازنشستگان است. آزادی اسماعیل گرامی که در تجمعات آنها در فروردین ۱۴۰۰ بازداشت شد و به ۴ سال زندان محکوم شده یکی از مطالباتی است که بازنشستگان در تجمعاتشان بارها آنرا اعلام کرده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۴۰۱، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲

شورانگیزی از اعتراض را در سطح شهر ایجاد کردند. در کرمانشاه و رشت با شعار "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد" بازنشستگان اعتراض خود را به فقر و بی تامینی و سونامی گرانی که اعتراض همه مردم است بلند کردند. بازنشستگان در اعتراضاتشان بطور واقعی کل بساط توحش و بردگی حاکم را به چالش میکشند. اعتراض آنان نه فقط به ناچیز بودن افزایش حقوقها و تعرض به معیشتشان و افزایش تحقیر آمیز ده درصدی حقوقها بلکه به کل وضعیت بی تامینی و فقر و فلاکت و به سونامی گرانی و برنامه "جراحی اقتصادی" حکومت و بساط سرکوب و چپاولگری ها است.

۵ تیر: تجمعات بزرگ بازنشستگان در چندین شهر

تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساط

در اهواز شهری که نزدیک به سه هفته است بازنشستگان هر روزه در آن تجمع دارند آنها در این گرمای آتشین تابستانی، شعارهای کوبنده آنها بر فضای خیابانهای شهر طنین انداخته بود و آنها با فریاد "تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه" بر تداوم اعتراضاتشان پای کوبیدند. بازنشستگان تامین اجتماعی که با اعتراضاتشان عبدالملکی وزیر کار را وادار به استعفا کردند اکنون با شعار دولت مردم فریب، استعفاء، استعفاء، و "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو"، استعفا ی رئیس جلا را فریادمیزدند. در اراک نیز بازنشستگان راهپیمایی کردند و با شعار "شش کلاسه بیسواد، گند زدی به اقتصاد" برنامه جراحی اقتصادی رئیس جلا را و تعرض به زندگی و معیشت جامعه را به چالش کشیدند. همچنین در شوشتر بازنشستگان با راهپیمایی خود فضای

ساعت ده و نیم صبح روز یکشنبه ۵ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض و به دلیل عدم افزایش حقوقها و مستمری هایشان و عدم اجرای کامل همسان سازی و متحقق نشدن دیگر مطالباتشان با فراخوانی از قبل اعلام شده در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات مقابل سازمان تامین اجتماعی برگزار شد. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهای اهواز، اراک، شوشتر، رشت، اردبیل و کرمانشاه بر پا شده است. در این تجمعات بازنشستگان که از مصوبه افزایش ده درصدی حقوقها توسط مجلس و سردواندیشان و نیز گرانیها و افزایش هر روزه قیمت کالاهای ضروری زندگی خود خشمگین هستند، با خشم شعار میدادند و با کف زدن و فریاد شعارهایشان اعتراض خود را ابراز میکردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز، اعتصاب کارگران داربست بند نفت و یک خبر دیگر

برای پیوستن به اعتصاب اعلام آمادگی کرده اند. بدین ترتیب دامنه اعتصاب دارد گسترش می یابد. روز اول تیرماه کارگران شاغل در شهرداری خرمشهر، در اعتراض به عدم پرداخت ۱۷ ماه حقوق معوقه، دست به اعتصاب زدند و مقابل شهرداری تجمع کردند. به گفته کارگران طی روزهای اخیر مسئولان شهرداری، تنها مبلغی بسیار ناچیز تحت عنوان علی الحساب به کارگران پرداخت کرده اند. سطح نازل دستمزدها، تعویق پرداخت بیش از یکسال دستمزدها و قراردادی های موقت برده وار کار موضوعات مورد اعتراض این کارگران است. در همین رابطه کارگران شهرداری خرمشهر قبلا نیز اعتراض داشته و دست به راهپیمایی زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ خرداد ۱۴۰۱، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲

در گزارش خبری قبلی از آغاز اعتصاب بزرگ نیروهای داربست بند های نفت که از صبح امروز یکم تیرماه آغاز شده خبر دادیم. بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران



پیمانی نفت این اعتراضات توسط نیروهای داربست بند شاغل در پیمانکاری های آبادانا، فراسکو، ساختار صنعت، رستاک پویا، اکسیر صنعت و ایده سازان، از صبح امروز آغاز شده و گروه های دیگری از کارگران داربست بند در فازهای ۱۳/۱۱/۱۰/۹ و ۱۴ نیز

خواست بازنشستگان افزایش دستمزدها به بالای خط فقر و متناسب با قیمت واقعی هزینه های زندگی است. بعلاوه درمان و تحصیل رایگان برای همه، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان دادن

روز اول تیرماه بازنشستگان تامین اجتماعی در تداوم اعتراضاتشان در اهواز تجمع کردند و شعارهای اعتراضی خود را سر دادند. با وجود گذشت چند ماه از آغاز سال هنوز تکلیف میزان افزایش حقوق آنها و کارگران بخش دولتی روشن نیست. دولت این افزایش را فقط ده درصد اعلام کرده و کارگران و بازنشستگان به آن اعتراض داشته و در این دو هفته بازنشستگان اعتراضات قدرتمندی را به جلو برده اند تا جاییکه وزیر کار را ناگزیر به استعفا کردند و کاری کردند که مجلس اسلامی مصوبه دولت در این رابطه را باطل اعلام کرد. دولت هم در مقابل این تصمیم جلسه شانه بالا انداخته و میگوید مجلس در مقام و جایگاهی نیست که در این مورد تصمیم گیری کند. بدین ترتیب مجلس و دولت دعویاتشان بالا گرفته و این وسط حکومت دارد کارگران را سر میدواند. اعتراضات علیه مصوبه هیات وزیران تا لغو کامل آن از سوی دولت رئیس ادامه دارد و یکشنبه های اعتراض برای تاکید بر کل خواستها در پیش است.

به اختلاس ها و نیز پایان دادن به سرکوبگری ها از دیگر مطالبات اعلام شده بازنشستگان است. حزب بر اتحاد و همبستگی بازنشستگان در برابر سردواندنه های حکومتیان و نیز حمایت وسیع مردم از خواستها و اعتراضات بازنشستگان تاکید دارد.



جامعه این خواستها میتواند محور اعتراضات سراسری در صنعت نفت باشد. یک قدم مهم در این راستا حمایت سراسری از اعتصابات کارگران داربست بند نفت است. قدم دیگر متکی شدن بر مجامع عمومی و تصمیم گیری جمعی جهت استحکام بخشیدن به اعتصابات و مقابله با هرگونه تفرقه افکنی و تهدیدات پیمانکاران مفتخور است.

زند باد کارگران اعتصابی نفت

به فیترها فشار آورده اند و گفته اند که خودتان کار داربست بند ها را نیز انجام دهید. و این خود به اعتراضات در میان این بخش از کارگران نیز دامن میزند. در مقابل همه این تفرقه افکنی ها کارگران داربست بند ایستاده و اعتصاب ادامه دارد. این چنین است که فضای اعتراض در نفت بالاست و با توجه به اینکه برچیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و پایان دادن به قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی مطالبات کلیدی همه کارگران نفت است، در فضای پر تلاطم اعتراضی

صحتی در مورد اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر داربست بند نفت

شهلا دانشفر

این پیشروی هاست. این دو مطالبه، خواست همه کارگران پیمانی نفت است که بخاطر آن طی دو سال اخیر اعتراضات گسترده ای داشته اند. از همین رو اعتصاب سراسری داربست بندها بستر مناسبی برای به میدان آمدن دوباره هزاران کارگر پیمانی نفت است. بعلاوه یک خواست کارگران داربست بند ها اینست که مزد هیچ داربست بندی نباید کمتر از ۲۵ میلیون باشد و با این مطالبه گفتمان جدیدی را بر سر خواست افزایش دستمزدها در برابر سونامی گرانی جلو آورده اند. و فشار اعتراضات آنها در جایی مثل پتروشیمی کیان باعث شده که پیمانکاران از سر وعده دادن به قبول این مطالبه وارد شوند. در جاهایی هم پیمانکاران از سر تهدید به اخراج وارد شده و به کارگران اعتصابی اعلام کرده اند که اگر موافق نیستید تسویه حساب کنید. حتی اقدام به استخدام نیرو کرده اند و یا

طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ادامه اعتصاب کارگران داربست بند به بیش از بیست شرکت پیمانکاری در ۱۱ پتروشیمی کشیده شده است. بدین ترتیب حدود ۳۰۰۰ کارگر در پیمانکاری های مختلف به اعتصاب پیوسته اند. حکومت اسلامی با واگذاری هر بخش از صنعت نفت به یک پیمانکار و ایجاد فضای پادگانی در مراکز نفتی سدی در برابر اعتراضات کارگران در این بخش کلیدی کارگری ایجاد کرده بود. چندین سال است که کارگران نفت با اعتصابات سراسری خود از این سد عبور کرده و ترک بزرگی بر دیوارهای پادگانی مراکز نفتی ایجاد کرده اند. اعتصاب کارگران داربست بند نفت با دو خواست محوری افزایش دستمزدها و بیست روز کار و ده روز استراحت ادامه

آغاز اعتصاب کارگران پروژه ای داربست بند فاز ۱۴ در سایت کنگان



مشاغل مان است و اگر امروز ما بر ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت میکویم برای این است که قبلا بر سر آن اجماع کرده ایم اما بدون شک قدم بعدی برای ما طرح شیفت کاری ۱۴/۱۴ خواهد بود. گفتنی است که با اعتصاب همکاران پروژه ای داربست بند باقی بخش های کار پاپینگ اعم از برق و ابزار دقیق، جوشکاری، کار فیترها و لوله گذاری نیز متوقف می شود و همکاران ما در این بخش ها خشنود از این اعتصاب محل کار را ترک میکنند و به شهرهای خود میروند."

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در بیانیه خبری خود بر اتحاد و همبستگی همه بخش های کارگری و نیز بر سر دو خواست فوری افزایش حقوقها و تغییر شیفت های کاری و بکارگیری تجربه کارگران در هفمشجان که سال گذشته مجمع عمومی خود را تشکیل دادند و در مجمع شان نمایندگان واقعی شان را برگزیدند تاکید کرده است. شورای سازماندهی اتکاء به مجامع عمومی و سازماندهی سراسری اعتراضات را یک

سوی همه کارگران تاکید بیشتری میگذارد. بنا بر همین خبر علیرغم اینکه مدیریت پاپینگ تحت عنوان کمپین مرکزی، برای آرام نگه داشتن فضای اعتراض در نفت از قبل اعلام کرده بود که تا سال ۱۴۰۲ هیچ کارزار دیگری نخواهند داشت، نیروهای داربست بند مستقیما خود فراخوان به آغاز اعتصاب این روز را داده اند.

در بخشی از اطلاعیه شورای سازماندهی در مورد این حرکت اعتراضی چنین آمده است: "کارگران داربست بند حدود دو هزار نفر هستند و تا کنون شمار قابل توجهی به این اعتصاب که فراخوانش از قبل داده شده بود پیوسته اند. دو سال است که ما کارگران پروژه ای با خواست بیست روز کار و ده روز استراحت و افزایش حقوقها مطابق لیست درخواستی خود دست به اعتراض میزنیم. در جاهایی پیمانکاران ناگزیر به آن تن داده اند ولی بسیاری جا ها یا نپذیرفته اند و یا اگر پذیرفته اند فقط قول و وعده بوده و اجرایی نشده است.

ضمن اینکه خواست اصلی ما ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و سخت و زیان آوری

بنا بر خبر منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی امروز چهارشنبه اول تیرماه کارگران پروژه ای داربست بند شاغل در فاز ۱۴ در سایت دو کنگان، با خواست بیست روز کار و ده روز استراحت و افزایش دستمزد هایشان به میزان لیست پیشنهادی خود وارد اعتصاب شدند. با اعتصاب کارگران پروژه ای داربست بند باقی بخش های کار پاپینگ اعم از برق و ابزار دقیق، جوشکاری، کار فیترها و لوله گذاری نیز عملا متوقف می شود و با توجه به خواستههای مشترک این خود زمینه را برای گسترش اعتراض به بخش های دیگر فراهم تر میسازد.

طبق این خبر تاکید این کارگران اینست که مزد هیچ نیروی پروژه ای از ۲۵ میلیون تومان نباید کمتر باشد. بویژه اینکه سونامی گرایی تاثیر مستقیمی بر پایین آمدن قدرت خرید کارگران و سطح معیشت و زندگی کل جامعه داشته است و این وضعیت بر خواست افزایش دستمزدها به عنوان یک مطالبه فوری از

اقدام مهم در جهت پیشبرد قدرتمند تر اعتراضات خوانده است. حزب ضمن حمایت از اعتراضات کارگران داربست بند کنگان بر حمایت بخش های مختلف مراکز نفتی از این اعتراضات و پشتیبانی از خواستها و مبارزات این کارگران تاکید دارد. دست پیمانکاران مفتخور باید از مراکز نفت و در همه مراکز کارگری کوتاه شود. جنبش برای خواست افزایش دستمزدها یک گام مهم برای همه کارگران برای مقابله با سونامی گرانی و عقب زدن برنامه جراحی اقتصادی دولت است. این جنبش را باید در سطح سراسری تقویت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ تیر ۱۴۰۱، ۲۲ ژوئن ۲۰۲۲

گسترش اعتصاب داربند بست های نفت به هجده پیمانکاری

بیست روز کار و ده روز استراحت و اینکه حداقل مزد کارگران داربند بست نباید کمتر از ۲۵ میلیون باشد دو مطالبه اصلی است که همه همکاران داربند بست بخاطرش اعلام اعتصاب کرده اند. بر محور همین خواستها باید متحد عمل کرد و متحد ماند. و اینها خواستهای همه کارگران پروژه ای پیمانی است. شورای سازماندهی همه این کارگران را به حمایت گسترده از اعتصاب همکاران داربند بست فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری با پشتیبانی از تاکیدات شورای سازماندهی حمایت همه جانبه خود را از مبارزات کارگران داربند بست در نفت اعلام میکند و کارگران پروژه ای نفت را به پیوستن به این اعتراضات فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۴۰۱، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲

تسویه کنید، کارگران داربند بست نفت محکم و استوار ایستاده اند و در جایی مثل پتروشیمی کیان زیر فشار اعتراض کارگران وعده داده شد که مطابق درخواست کارگران مزد آنها به بیست و پنج میلیون افزایش خواهد یافت. این عقب نشینی نشان دهنده قدرت کارگران و امکان پذیری تحمیل خواستهاست.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی بعنوان راهکار اصلی و مهم ادامه قدرتمند اعتصابات و مقابله با تهدیدات پیمانکاران به اخراج و با هر گونه تلاشی برای ایجاد تفرقه در صف کارگران تاکید کرده و مینویسد: " شورای سازماندهی بر تشکیل مجمع عمومی در هر محل و تصمیم گیری جمعی و انتخاب نمایندگان واقعی خود جهت نشست و مذاکره بر سر خواستهای سراسری اعلام شده کارگران تاکید دارد.

پیمانکاری های زیر را در بر میگیرند: پیمانکاری حاجی پور، شرکت رستاک پویا، شرکت فراسکو، پیمانکاری شهبازی، پیمانکاری مطوری، شرکت ایده سازان، شرکت پانندان و شرکت اکسیر، شرکت پیمانکاری تناوب، پیمانکاری رشیدی، پیمانکاری همتی و پیمانکاری موسوی، اکسیر فاز ۱۴ عسلویه، آی جی سی فاز ۱۴ پارس جنوبی، و شرکت آبادراهان در فاز دو پالایشگاه آبادان.

بنا بر خبرها کارگران پیمانی در ایذه برای عصر امروز یکشنبه پنجم تیرماه در تدارک برگزاری مجمع عمومی خود به منظور تصمیم گیری جمعی و ادامه متحدانه اعتراضاتشان هستند.

بنا بر گزارش شورای سازماندهی در حالیکه در برخی مراکز پیمانکاران مفتخور با قلدری کارگران را تهدید به اخراج کرده و گفته اند خبری از افزایش مزد نیست و اگر نمی خواهید کار را ترک و

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعتصاب کارگران داربند بست (اسکالفلدینگ) که روز اول تیر ماه آغاز شد دامنه اش به بیش از ۱۸ شرکت پتروشیمی کشیده شده است. اعتراض این کارگران به سطح نازل حقوقها و بالا رفتن هر روز بیشتر قیمت کالاها است. کارگران خواهان افزایش حقوقها به میزانی هستند که حقوق هیچ داربند بست بنده کمتر از ۲۵ میلیون تومان نباشد و بیست روز کار و ده روز استراحت عملی شود. اینها دو خواست محوری آنهاست.

لیست تا کنونی شرکت های پیمانی اعتصابی عبارتند از: پتروشیمی صدف، پتروشیمی آبادانا، پتروشیمی دماوند، پتروشیمی کیان، سایت یک و دو پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی آراین، پتروشیمی مرجان پتروپالایش کنگان، پتروشیمی هنگام، پتروشیمی آبادان که

اعتصاب کارگران اورهال پالایشگاه آبادان



روز دوشنبه ششم تیرماه کارگران اورهال (تعمیرات اساسی) پالایشگاه نفت تندگویان تهران در اعتراض به افزایش تایم کاری دست از کار کشیده و اعتصاب کرده اند.

جمله فیتیر و کمکی هم بالا تر خواهد رفت.

پس دست به دست هم داده و متحدانه اعتصاب خود را جلو ببریم.

برگرفته از کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

برآمده و حق مان را طلب کنیم. منفعت همه ما از داربند بست تا فیتیر و کمکی و رنگ کار و جوشکار و برق کار و نیروی اورهال در پیروزی این اعتصاب است. اگر اعتصاب ما موفق شود و بتوانیم پیمانکاران را وادار کنیم تا خواست بیست و پنج میلیون تومان ما را بپذیرند بنابراین در حالت طبیعی دستمزد سایر همکاران از

آخرین اخبار و وضعیت از اعتصاب بزرگ داربند بنان

چهارده تعدادی از همکاران قدیمی تر ما هنوز مشغول بکار بوده و به اعتصاب ملحق نشده اند که همین جا از همه همکاران خود می خواهیم برای تقویت اتحاد و همبستگی جمعی مان در رسیدن به خواسته هایی که همه ما بر سر آن توافق کرده ایم دست از کار کشیده و مراقب باشید فریب پیمانکاران را نخورند.

از همکاران فیتیر و کمکی هم می خواهیم زیر فشار پیمانکار قبول نکنند که خودشان دست به کار شده و داربند بست و ساپورتر ببندند. هیچ پیمانکاری نمی تواند و نباید شما را به کار دیگری که وظیفه شما نیست مجبور کند.

همانطور که کارفرما و پیمانکار و دولت برای استثمار بی رحمانه ما با هم متحد هستند ما هم به همان اندازه باید با اتحاد مان از پس فریبکاری های آنها

همانطور که در اطلاعیه های قبلی اعلام شد همکاران داربند بست در یازده مجتمع پتروشیمی و در مجموع در بیش از بیست شرکت پیمانکاری در اعتصاب هستند.

آخرین برآوردها حاکی از آن است که مجموعاً قریب به سه هزار نفر داربند بست در اعتصاب به سر میبرند.

از چند روز قبل به موازات پیوستن همکاران بیشتری به اعتصاب کارفرماها و پیمانکاران هم اقدامات اعتصاب شکنانه خود را آغاز کردند.

در پتروشیمی های پادجم و آریا متانول و همینطور شرکت اکسیر صنعت در گروههای تلگرامی و واتسآپی آگهی استخدام داربند بست بند داده اند.

برخی پیمانکاری ها هم مثل مخازن سبز عسلویه، عمران صنعت، اکسیر فاز

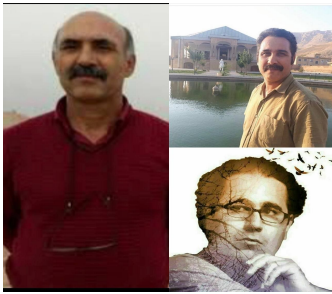
پیش بسوی اعتصابات سراسری!



۴ تیر جمعی از معلمان بازنشسته و فعالین اجتماعی در حمایت و همبستگی با خانواده های رسول بداقی، رضا شهابی، حسن سعیدی و محمد حبیبی از معلمان و کارگرن زندانی دیدار کردند

در سکوت و بیخبری عمومی

طی دو ماه اخیر ۲۳۰ معلم در سراسر کشور ربوده، بازداشت و زندانی شدند. از حدود دو هفته پیش هم هیچ خبری از آقایان #رسول_بداقی، #محمد_حبیبی، و #جعفر_ابراهیمی نیست. این سه نفر بدون حق تماس و ملاقات با خانواده در بند ۲۴۰ و در شرایط انفرادی محبوس میباشند. (برگرفته از مدیای اجتماعی)



سجاد شگری آزاد شد

روز پنجشنبه دوم تیرماه ۱۴۰۱ سجاد شگری فعال کارگری با تودیع وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی موقتاً از زندان اوین آزاد شد. سجاد شگری روز ۲۱ خردادماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی آزادی سجاد شگری را به او، به خانواده اش و به مگان تبریک میگوید. سجاد شگری



جای نویسنده و مترجم زندان نیست #کیوان_و_آنیشا_را_آزاد_کنید

دادسرا مراجعه خواهیم کرد. ما می پرسیم: چه اتفاقی افتاده است؟ آیا کیوان و آنیسا را می خواهند در گیر یک پرونده سازی دروغین کنند؟ فرزندان ما نویسنده، مترجم و معلم های دلسوز این آب و خاک هستند. ما مادران، هر نوع پرونده سازی ساختگی را محکوم می کنیم و از حقوق قانونی شهروندی که به هر شکلی موجود باشد، برای کمک به فرزندان مان بهره خواهیم گرفت. کیوان و آنیسا فرزندان آزاده ی این آب و خاک هستند.



آزادی ده معلم بازداشتی در سقز

کارزار برای آزادی معلمان زندانی صورت گرفته است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی آزادی این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگوید. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای فعالین کارگری، معلمان و تمامی زندانیان سیاسی باید مسدود گردد. با قدرت اعتراضاتمان همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی را آزاد میکنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
<https://free-them-now.com/>

بامداد ۵ تیر پنج نفر از معلمان بازداشتی سقز به اسامی احمد قادری، طاهر حامدی، محسن شکوهی، حسام خاکپور و حسن رحیمیان به قید وثیقه آزاد شدند. دو روز قبل از آن نیز پنج نفر از اعضای انجمن صنفی معلمان سقز و زویه به اسامی سلیمان عبدی، آمانج امینی، اسماعیل ریحانی، خالد عبداللهی و زاهد مرادی آزاد شدند. این معلمان در ۲۶ خرداد بازداشت شده بودند. آزادی آنها بدون شک نتیجه تجمعات اعتراضی هر روزه خانواده ها و معلمان در این شهر و

دیدار خانواده با اسکندر لطفی معلم زندانی بعد از ۵۰ روز بازداشت

بازداشت و نیز پروسه ی بازداشت به شدت ابراز نارضایتی کرده بود. او همچنین خاطر نشان کرده بود که دیدار آنان با آن دو معلم فرانسوی فقط یک دیدار دوستانه بوده است. اسکندر لطفی قاطعانه به فشار برای اعتراف گیری های اجباری اشاره کرده و خاطر نشان کرده که وزارت اطلاعات در خصوص این سناریوی ساختگی رسوا خواهد نمود.

اسکندر لطفی همچنین از حمایت های تا کنونی از خودش و خانواده اش از سوی معلمان و همکارانش قدردانی کرد. اسکندر لطفی به همراه مسعود نیکخواه در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه دستگیر و از لحظه بازداشت اعلام اعتصاب غذا کرد. اسکندر لطفی و همه معلمان زندانی باید فوراً آزاد شوند.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان صبح روز پنجشنبه ۲۶ خرداد ماه، بالاخره خانواده ی معلم بازداشتی اسکندر لطفی بعد از ۵۰ روز بازداشت فرزندان، توانستند با وی ملاقاتی کوتاه و داخل کابین داشته باشند. در این تماس ماموران امنیتی جنیتکار جمهوری اسلامی اسکندر لطفی و خانواده اش را وادار به مکالمه به زبان فارسی، از طریق گوشی و از دو سوی شیشه کرده بودند. در این گفتگو اسکندر لطفی به خانواده اش اعلام کرده است که با وجود بازجویی های زیادی که داشته همچنان برای تمديد مجدد بازداشتش تفهيم اتهام نشده است. اسکندر لطفی از دليل

فرزانه امیری جاه، مادر کیوان مهدی نوشت:

کمال بهت و ناباوری متوجه شدیم، کیوان و آنیسا ممنوع الملاقات هستند. پرسیدیم: چرا؟؟؟ گفتند همه ی کسانی که در رابطه با پرونده هستند فعلاً ممنوع الملاقات هستند. باز هم پرسیدیم: چرا؟؟؟ گفتند: ما نمی دانیم، بروید از دادسرا پرسید. ما مادران قطعاً شنبه به

۴۵ روز از بازداشت کیوان مهدی و آنیسا اسداللهی میگذرد. روز پنجشنبه ۲ تیر ماه طبق قرار به ملاقات فرزندانمان رفتیم. کیوان و آنیسا در تلفن و ملاقات بارها گفته بودند، بازپرسی تقریباً تمام شده و دیگر چیزی برای گفتن نیست. مراحل قانونی اش می بایست طی شود. امروز صبح در



تهدید و فشار بر واله زمانی، فعال کارگری زندانی، برای پذیرش اتهامات واهی، تمديد يكماه بازداشت حسن سعیدی و رضا شهابی

- واله زمانی فعال کارگری زندانی در زندان اوین که در تاریخ ۹ خرداد ماه بازداشت و به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شده بود، پس از چند روز انتقال به بند ۲۰۹، طی تماس کوتاه خود با یکی از اعضای خانواده، به تاریخ ۳۰ خرداد ماه، عنوان کرده است که در حال حاضر ممنوع الملاقات بوده و به وی اعلام شده است که حق داشتن وکیل مدافع را نیز ندارد. همچنین واله زمانی تاکید داشته است که هیچ کدام از اتهامات وارده را قبول نداشته و علیرغم تهدیدات و فشارهای فراوان، از جمله تهدید به انتقال مجدد به بند ۲۴۰ و

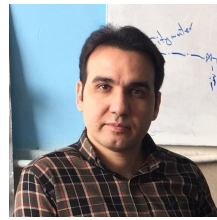
سلول انفرادی، به هیچ عنوان حاضر به پذیرش اتهامات واهی نیست. طی این تماس کوتاه ایشان تاکید کرده‌اند که در زمان دستگیری بخشی از پرونده پزشکی همراهشان بوده و مسئولین زندان از وضعیت بیماریشان مطلع هستند... بازداشت واله زمانی و نگاهداشتن او در بند یک جنایت است. جمهوری - بنا بر خبرها رضا شهابی و حسن سعیدی همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس هستند. بازپرس در پاسخ به گرفتن اعتراضات اجباری آنها و از کسانی که در جریان پرونده سازی های امنیتی بازداشت شده اند است. در همین رابطه است که رضا شهابی و اسکندر لطفی دست به اعتصاب غذا زدند. رضا شهابی سیزدهمین روز اعتصاب غذایش را پشت سر میگذارد و خانواده اش بسیار نگران و بی خبر از وضعیت جسمانی او هستند. برگرفته از میدای اجتماعی

پنجمین روز اعتصاب غذای حسن سعیدی کارگر زندانی



بنا بر گزارش منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد روز پنجم تیرماه حسن سعیدی از اعضای این سندیکا طی تماسی کوتاه که با دخالت عوامل امنیتی قطع شد اعلام کرد چهار روز است در اعتصاب غذا بسر میرود و در انفرادی بند ۲۰۹ میاشد که با فریادی از پشت خط تلفنش قطع گردید، چند دقیقه بعد تلفن زنگ خورد و شخصی که خودش را بازجو حسن سعیدی معرفی کرده است. خانم نسرین رحیمی همسر این فعال سندیکایی در بند را تهدید کرد که اگر گفته های سعیدی درز پیدا کند و اطلاع رسانی شود حکم قضایی علیه شما میگیرم و برخورد خواهیم کرد. خانم رحیمی در اعتراض به رفتار بازجو گفتند چرا باید همسر من چهار روز دراعتصاب غذا باشد ما و خانواده اش بی خبر باشیم. اطلاع رسانی هیچ ربطی به من و خانواده ما ندارد، همکاران و دوستان همسر مرتب جوایای حال همسر هستند و از خانواده ما پیگیر

سلامت ایشان هستند. سندیکای کارگران شرکت واحد در این گزارش خبری ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به وضعیت جسمانی دو عضو زندانی خود حسن سعیدی و رضا شهابی هرگونه تهدید و فشار بازجو به همسر حسن سعیدی را بشدت محکوم کرده و این برخوردها را مصداق شکنجه خانواده زندانی میدانند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همراه با خانواده حسن سعیدی و سندیکای شرکت واحد فشار بر روی زندانیان سیاسی یو فوری و بدون قید و شرط حسن سعیدی و رضا شهابی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ششم تیرماه ۱۴۰۱



در محکومیت بازداشت حمید قندی معلم معترض در اسلامشهر

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز دوم تیرماه نیروهای امنیتی با حضور در محل کار حمید قندی عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، او را دستگیر و به منزل برده و ضمن واریسی منزل گوشی همراه وی و همسرش را ضبط کردند.

کمپین برای آزادی کارگران زندان تشدید سرکوبگری های حکومت را در قبال معلمان شدیداً محکوم کرده و همگن را به حمایت همه جانبه از مبارزات و خواستهای معلمان این سنگر مهم اعتراضات مردمی فرا میخواند. ششم تیرماه ۱۴۰۱

لیست اسامی ۲۷ نفر از معلمانی که از آغاز اردیبهشت تا کنون دستگیر شده و در زندان بسر میبرند

#رسول بدایقی #اسکندر لطفی #شعبان محمدی #مسعود نیکخواه
#جعفر ابراهیمی #محمد حبیبی #مژگان باقری #محمد عالیشوندی
#اصغر امیرزادگان #حمید عباسی #ایرج رهنما #عبدالرزاق امیری
#بهنام محمدی #هیوا قریشی #کاوه محمدزاده #محمد علی زحمتکش
#امیدشاه محمدی #پرویز احسنی #صادق کنعانی #شهریار نادری
#زهراسفندیاری #مهراد نوشادی #مرتضی رشیدی #حسام الدین مظلومی
#مضان ابونصری #حمید قندی #غلامرضا غلامی_کندازی



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!